گفت و گوی «جوان» با سرهنگ رابعه جوانبخت، رئیس اداره تصادفات پایتخت

# درگیر احساسات نمی‌شوم

■ محبوبه قربانی

**سرهنگ رابعه جوانبخت از جمله زنان مقتدر در خانواده پلیس است. او فارغ‌التحصیل اولین دوره دانشکده افسری پلیس زن بعد از انقلاب اسلامی است که از طریق کنکور سراسری جذب دانشکده افسری شد و بعد از گذراندن آموزش‌های عمومی، تخصصی و آموزش‌های نظامی در سال ۱۳۸۲ فارغ‌التحصیل رشته راهنمایی و رانندگی شد. ابتدا به عنوان مدیر اجرایی، فصلنامه پلیس زن را راه‌اندازی کرد سپس وارد کار تخصصی راهنمایی و رانندگی شد. وی در منطقه ۸ تهران بزرگ با سمت رئیس تصادفات مشغول به کار شد و چند سال بعد به عنوان رئیس اداره تصادفات منطقه ۴ راهنمایی و رانندگی که منطقه بسیار وسیعی بود، انتخاب شد. دو سال بعد جانشین اداره تصادفات تهران بزرگ و پس از دو سال در سمت رئیس اداره صدور مجوز فعالیت‌های عمرانی شهر تهران منصوب شد. او هم اکنون در سمت رئیس اداره تصادفات تهران بزرگ مشغول کار است. «جوان» به بهانه هفته انتظامی با این پلیس موفق گفت و گویی داشته‌است. به گفته بسیاری از بزرگان، فرد موفق شناخت خوبی از خود و توانمندی‌هایش دارد و این یکی از جمله ویژگی‌هایی بود که در طول مصاحبه در جناب سرهنگ به خوبی درک می‌شد. او با این شناخت، اما بخشی از موفقیت‌هایش را بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه پلیس می‌داند که شخص دیگر نمی‌تواند خودمحور باشد و آموزش‌ها منوط به برطرف شدن نیازهای دیگران است تا امنیت برقرار شود. او نگاه جزءبین، ریزبین، قدرت تفکر خوب و تجزیه و تحلیل زنان پلیس را از فاکتورهای قوی و مهم در کار می‌داند و می‌گوید دیگر دغدغه‌اش، دغدغه ساده مادرانه نیست و دغدغه او حالا برای همه مردم شهر است و احساسات زنانه‌اش دخالتی در کار ندارد، مگر اینکه این احساسات به او نگاه منطقی و مسئولانه‌ای بدهد تا با رفع نواقص و کمبودهای کوچه و خیابان این شهر جان و مال شهروندان را محفوظ بدارد. در ادامه گفت و گویمان را با وی می‌خوانید.**

■■■

**روحیه شما در دوران کودکی چگونه بود که حالا به عنوان یک پلیس موفق در حال فعالیت هستید؟ آیا پدر یا مادرتان شغل نظامی داشتند؟**

در کودکی آرام و سازگار با شرایط محیط بودم. پدرم استاد دانشگاه و کارگردان سینما و مادرم معلم مدرسه و ۱۵ سال مدیر مدرسه بود.

**متأهل هستید یا مجرد؟ خانواده با این شغل مشکلی ندارند؟**

متأهل هستم و یک دختر ۱۵ ساله دارم. همسرم مهندس عمران است، اما به‌رغم شناخت او از حرفه پلیس، همکاری خوبی داشته و همراه و همفکر من بوده و هست.

**هدفتان شغل دیگری بود که حالا پلیس شده‌اید؟**

قبل از ورود به دانشگاه افسری، در سه رشته مامایی، زیست‌شناسی و بهداشت امتیاز آوردم و یک ترم هم در دانشگاه آزاد مشغول تحصیل بودم تا اینکه جواب دانشگاه افسری علوم انتظامی آمد و چون نیمه‌متمرکز بود، چند برابر ظرفیت گرفته می‌شد. علاوه بر آزمون علمی باید تست‌های سلامت و پزشکی هم طی می‌شد، با این حال اسم من جزو لیست بود و بعد از طی مراحل گزینش در این دانشگاه پذیرفته و مشغول تحصیل شدم. در فضایی شروع به تحصیل کردم که هیچ تجربه و زمینه قبلی نبود. دروس همان درس‌های دانشگاه افسری آقایان بود و ما همان دروس را آموزش می‌دیدیم. آموزش‌هایی نظامی و سخت اما تجارب بسیاری ارزشمندی به دست می‌آمد و اعتماد به نفس را بالا می‌برد. از همان اول با دیدگاه کمک‌رسانی به دیگران آموزش می‌دیدیم. دانشجوی دانشگاه پلیس می‌داند قرار نیست در زندگی خودمحور باشد و آن چیزی که در خود می‌پسندد برای کارش اتفاق بیفتد. در واقع طوری تربیت می‌شود که بودن شما منوط به برطرف شدن نیازهای دیگران باشد و باید امنیت برقرار شود. باید خدمات را به دیگران ارائه دهیم و با این روحیه فارغ‌التحصیل شدم.

**پیش آمده از شغلتان خسته یا پشیمان شوید؟**

از انتخاب این شغل بسیار راضی هستم. شاید به خاطر فشارهای کاری خسته شوم، اما لحظه‌ای هم پشیمان نشده‌ام. در رشته روانشناسی فوق‌لیسانس دارم و همین مرا در شغل و شناخت آدم‌ها و پذیرش روحیات آنها کمک می‌کند تا سازگاری پیدا کنم.

**صحنه تصادف گاهی صحنه‌های تلخی است. شما چطور با این صحنه‌ها کنار می‌آیید و اینکه همین‌طور آیا سر صحنه تصادف حاضر می‌شوید و اینکه واکنش مردم نسبت به اینکه شما به عنوان فرمانده پلیس در میدان حاضر می‌شوید، چگونه است؟**

حاضر شدن در صحنه تصادفات فوتی بخش عظیمی از کار است. وقتی ساعت ۴ صبح بیدار می‌شوم، تصاویر تلخ بسیاری از تصادفات و فوتی‌ها را در گوشی‌ام می‌بینم که از سر صحنه برایم ارسال می‌شود. یقیناً دیدن این تصاویر خوشایند نیست، اما یاد گرفته‌ام احساساتم را مدیریت کنم و هر جای کار لازم بود، استفاده کنم. با خودم کنار آمده‌ام که نگاه تخصصی داشته‌باشم و درگیر احساسات نشوم. نگاهم به کار فنی است. هر چند تصاویر کودکان فوت‌شده در تصادف یا فریاد دو دختر بر سر جسد مادرشان که شاهد مرگ او بودند، مرا بسیار ناراحت می‌کند، اما مسئولیتم را بیشتر می‌کند تا اگر آن مکان نیاز به روشنایی و تابلو دارد، پیگیر نصب آن شوم یا آن منطقه به دوربین مجهز شود. به عنوان اولین خانم که کار اطلاع‌رسانی در رسانه را شروع کردم، اخبار ترافیکی را اعلام می‌کردم و چند سالی است در شهر امن به عنوان کارشناس ثابت در بحث اطلاع‌رسانی و دادن آموزش به مردم فعالیت می‌کنم، این مرا خیلی خوشحال می‌کند که با این هشدارها یک خلاف کمتر انجام شود. واکنش مردم خیلی برایم جالب است. شاید خیلی از آنها ندانند که پلیس زن وجود دارد، به همین دلیل وقتی بعد از توضیح همکارانم متوجه این موضوع می‌شوند، از صحنه‌های مختلف مثل پریدن از روی گاردریل یا عبور از جاده خاکی برای بررسی صحنه عکس و فیلم تهیه می‌کنند! نگاه مثبت مردم به یک زن پلیس برایم مهم و جالب است.

**آیا تصادفی داشته‌اید؟ اگر جواب مثبت است، همکاران چگونه با شما برخورد کرده‌اند؟**

دیدن مدل‌های مختلف از تصادفات باعث شده‌است رانندگی با احتیاطی داشته‌باشم و بتوانم خطرهای احتمالی را پیش‌بینی و پیشگیری کنم. از همه مهم‌تر اینکه اگر لازم شد، فرصت را به دیگران بدهم. شاید در این مواقع با مخالفت افراد حاضر در خودرویم روبه‌رو شوم، اما برایشان از تجارب تصادفاتی که دیده‌ام، می‌گویم و قانع می‌شوند. دو تصادف داشتم که در هر دوی آنها مقصر نبودم. آنها متوجه مسئولیت بنده شدند، اما در روند رسیدگی و حل مشکل هیچ تأثیری نداشت. معتقدم تغییر نظرات به شرط آشنا بودن، فنی نیست و اگر خطایی باشد ما هم باید پاسخگو باشیم.

**آیا تثبیت‌شدن نگاه مردانه‌ای که به شغل شما وجود دارد، شما را ناراحت نمی‌کند؟ برخورد همکاران به خصوص آقایان چگونه است؟**

وقتی در ساختار نظامی مردانه شروع به کار کردم، خیلی زود متوجه شدم وارد سازمان نظامی مردانه‌ای شده‌ام که همه چیز بر اساس نظم، رتبه و درجه جایگاه است. در ادبیات نظامی «چرا» وجود ندارد و باید خود را وقف خدمت‌رسانی کنی. در چنین محیطی زن بودن خیلی در نظر گرفته نمی‌شود و من با دانستن همه اینها و با این تفکر به محل کار رفتم. البته اوایل هم برای من و هم برای آقایان سخت بود. آنها با خانم‌هایی مواجه می‌شدند که درجه نظامی داشتند و احترام نظامی می‌گذاشتند. خانم‌هایی که با همه رفتارهای نظامی آشنا و توانمند شده‌بودند. گاهی پذیرش اینکه خانمی از دانشگاه پلیس آمده و درجه دارد و احترامات نظامی باید رعایت شود سخت بود، اما رفته‌رفته با تلاش‌های زیاد هم از طرف خودم و دیگر همکاران خانم که عهد کرده‌بودیم از پس مسئولیت‌ها بر بیاییم، پذیرفته شد و حالا همکاری برادران بسیار خوب و بسیار حمایتگر است. آنها هم دیدگاه خوبی دارند و هم دیدند تجربه سپردن کارهای نظامی به خانم‌ها تجربه موفقیت‌آمیزی بوده و حالا راضی هستند که کارهایی با ظرافت و تجربه بیشتر را به افسران خانم بسپارند. به همین خاطر خانم‌های پلیس توانستند مشاغل خوب و مدیریتی سطح بالا را کسب کنند. هدف از خلقت وجودی ما این است کاری را انجام دهیم که به اوج شکوفایی برسیم و برای دیگران مثمرثمر باشیم، حال چه مرد باشیم، چه زن. به دیگران کمک کنیم و دستی بگیریم. رسالت من هم این بوده در جایگاهی قرار بگیرم که به شهروندان و زنان کمک کنم. به مشکلات ترافیکی نگاه دقیق و جزئی داشته‌باشم. در حیطه تصادفات نگاه ریزبینی داشته‌باشم. لازم نیست حتماً مرد باشی و از قدرت بدنی بالایی برخوردار باشی، بلکه گاهی نگاه ریزبین و قدرت تفکر خوب و تجزیه و تحلیل از قدرت بدنی بیشتر به کار می‌آید. تلاش کرده‌ام اگر ضعف‌هایی بوده با آموزش و مهارت پوشش بدهم و در کارم نگاه جزئی‌نگر داشته‌باشم.

> یاد گرفته‌ام احساساتم را مدیریت کنم و هر جای کار لازم بود، استفاده کنم. با خودم کنار آمده‌ام که نگاه تخصصی داشته‌باشم، درگیر احساسات نشوم و نگاهم به کار فنی باشد

مشکلات و ضعف‌ها را کشف کنم و با مکاتبات آنها را از سازمان‌های مربوطه مطالبه کنم تا مشکلات کاهش یابد.

**موقعیت شغلی شما این پیام را دارد که اگر بخواهی می‌توانی، حتی اگر زن باشی. چطور دختران و زنان کشورمان به این باور برسند که می‌توان زن بود، اما شانه به شانه مردان کار کرد و حتی بالاتر از آنها هم قرار گرفت؟**

خداوند این قدرت را در وجود زن قرار داده‌است تا پرورش‌دهنده یک موجود در وجودش باشد، بنابراین عظیم‌ترین اتفاق آفرینش، یعنی مادر شدن برای او رقم می‌خورد که مسئولیت کمی نیست. وقتی این حجم از توانایی به زن داده شد، نشان می‌دهد ظرفیت وجودی بالایی دارد و تنها لازمه دانستن آن این است باور کنیم و اعتماد به نفس را در خودمان ایجاد کنیم. زنان و دختران جامعه ما در شرایط فعلی باید این اعتماد به نفس را داشته و باانگیزه باشند. آنها نباید با تأیید دیگران شاد و با تکذیب دیگران ناراحت شوند. باید یاد بگیرند خودشان خود را قضاوت کنند نه دیگران، آن وقت اشتباهاتشان ترمیم می‌شود. اگر چنین شخصیتی نداشتم به اینجا نمی‌رسیدم. گاهی تعداد کسانی که ما را دلگرم می‌کنند، کم هستند، همانطور که به من هم می‌گفتند، بس است خسته شدی ادامه نده! ولی من با این فکر که هر فردی برای رسالتی به دنیا آمده و مسئولیتی به او داده شده و مسئولیت من هم خدمت به مردم است تا باری از روی دوش مردم بردارم، این راه را پیش گرفته و برای روزهای سخت خودم را آماده کرده‌ام. این کار، نوع نگرش مرا به زندگی تغییر داد و نگاهم به زندگی را عمیق‌تر کرد، به همین جهت دغدغه‌هایم دیگر دغدغه‌های ساده مادرانه نیست، دغدغه من برای همه بچه‌های این شهر است، دغدغه اینکه تصادفات کمتر شود و همه شهروندان سالم سر سفره برسند و کنار دیگر اعضای خانواده شام بخورند. وقتی نگاه تو عمیق و بزرگ می‌شود، نمی‌توانی کوتاه فکر کنی و تصمیمات و اهداف تو هم بزرگ می‌شود، چراکه وقتی تصمیمی می‌گیری، تنها به خانواده خودت برنمی‌گردد، به کل شهروندان شهر برمی‌گردد و این زیبایی‌های کاری است که مشغول آن هستم. آن لحظه‌ای که کلید اتاق کارم را می‌اندازم و کلی کار برای انجام دادن دارم، خدا را شکر می‌کنم. کارهایی که هر کدام از آنها به نفع همه شهروندان است و تنها شعار نیست، بنابراین آنها را با لذت انجام می‌دهم. به همین خاطر احساس خستگی نمی‌کنم، روحیه و انرژی مثبت می‌گیرم. وقتی فردی چه زن و چه مرد وارد اتاقم می‌شود، بازخورد خوبی از مردم می‌گیرم و با همه توان سعی می‌کنم کارش را انجام دهم. این لذت‌بخش است و همه خستگی‌هایم را از بین می‌برد.

**زندگی شخصی و تفریحات شما چگونه رقم می‌خورد و اینکه با این شغل سختی که دارید، اصلاً فرصت تفریح دارید؟ بهترین تفریح‌تان چیست؟**

ساعت ۴ صبح بیدار می‌شوم و ساعت‌های زیادی را در محل کار هستم. زندگی من با دور تند انجام می‌شود. نمی‌توانم با آرامش آشپزی کنم و کارهای خانه را انجام دهم، چون زمان برایم خیلی مهم است و سعی می‌کنم آن را طوری مدیریت کنم که به همه کارهایم برسم. زمان کوتاهی استراحت می‌کنم و بزرگ‌ترین تفریح من کنار خانواده بودن است و صحبت با دخترم، همسرم، مادرم و خواهرم. سعی می‌کنم از فرصت‌های کمی که کنار آنها هستم انرژی بگیرم و با روحیه تازه‌ای به کارم برگردم. البته برای تجدید روحیه، گاهی سفر می‌روم و اهل مطالعه هم هستم. علاوه بر مطالعات تخصصی سعی می‌کنم مطالعات دیگری را هم داشته‌باشم. با توجه به شرایط سن دخترم سعی می‌کنم در اوقات فراغت از او دور نباشم و با حرف‌های مشترک نسبت به هم بیگانه نباشیم. همه دغدغه‌ام این است که الگوی خوبی برای دخترم باشم. اگر همه مادرها تلاش کنند الگوی خوبی برای دخترانشان باشند، همین دغدغه برای تربیت درست آنها کفایت می‌کند.

**جناب سرهنگ، وقتی محیط کار را ترک می‌کنید و وارد خانه می‌شوید، چقدر شخصیت و نقش کاریتان در خانه حاکم است؟ آیا در خانه و برای اهل خانه هم سرهنگ هستید یا...**

وقتی وارد خانه می‌شوم، این طور نیست تماسی نداشته‌باشم. در طول شبانه‌روز تماس‌های مکرر دارم و مسلتزم پاسخگویی هستم. واقعاً نمی‌توانم کارم را ترک کنم. مدام باید بی‌سیم را بشنوم، ولی سرهنگ نیستم، مادر هستم و همسر، تا محیط خانه آرام باشد. می‌خواهم از آن محیط خشک کاری دور باشم و این اتفاق با آشپزی، صحبت با دختر و همسر رقم می‌خورد. سعی می‌کنم لحظه را در خانه به گونه‌ای بگذرانم که دیگر سرهنگ نباشم و آن احساسات زنانه و مادرانه را بر خلاف محل کار در خانه داشته باشم تا توقعات روحی - روانی دخترم را برآورده کنم. به لطف خدا تعاملات خیلی خوبی با دخترم دارم. او مرا دوست خود می‌داند و درباره هر مشکلی با من حرف می‌زند. دوستانش را خوب می‌شناسم و با آنها ارتباط دارم. من دخترم را رها نکرده‌ام و همیشه دغدغه ارتباط با او را دارم.

**نگاه زنان همواره به جهان پیرامون خود، نگاهی دقیق و این امری پذیرفته شده‌است. شما به عنوان کارشناس پلیس زن راه برون‌رفت از مصایبی را که در حوزه سوانح و رانندگی وجود دارد، چه می‌دانید؟ اساساً راهکاری عملی برای برون‌رفت از این معضل وجود دارد؟**

هر چند برای فرار از معضلات ترافیکی و تصادفات نیاز به کار تیمی و همکاری دستگاه‌های مربوط است، اما اولین گام، آموزش و فرهنگ‌سازی است که لازم است در این زمینه کار بیشتری انجام شود. نکته دیگر کمک گرفتن از فضای رسانه است. افرادی که رفتار هنجارشکنانه‌ای از خودشان نشان می‌دهند باید یاد بگیرند قانون‌شکنی در هر طیفی تخلف و از بین رفتن حقوق دیگران است. اینکه به حقوق دیگران احترام گذاشته نمی‌شود، مرا متأثر می‌کند. مردم باید به این نتیجه برسند که تابلوهای رانندگی برای زیبایی نیست و برای این است که حق و حقوق دیگران گفته شود و از تصادفات پیشگیری کند. نکته دیگر استفاده از تجهیزات هوشمند بسیار خوبی از جمله قابلیت هوش مصنوعی و تجهیزات الکترونیکی است که وجود دارند، به خصوص برای شهری مثل تهران که دیدن و حضور پرتکرار پلیس دیگر راهگشا نیست و باید از تکنولوژی‌های روز استفاده شود. نیروی پلیس با تغییر یک تاکتیک باید در جای دیگر استفاده شود. نکته آخر ایمن‌سازی خودروهاست که در پیشگیری از بسیاری از تصادفات چشمگیر است و می‌تواند به کاهش تصادفات کمک کند.

**حرف آخر**

ما در شهری زندگی می‌کنیم که نمی‌دانیم شب به خانه برمی‌گردیم یا نه! حوادث خیلی به ما نزدیک هستند. من از مادران می‌خواهم پایه‌های مفاهیم و آموزشی را با کودکانشان کار کنند. درک از خطر را از کودکی به فرزندانشان آموزش بدهند و رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی را یاد بگیرند. هر اطلاعات به روزی را از طریق فضای مجازی با یک جست‌وجوی کوتاه می‌توانند یاد بگیرند. از آنها غافل نشوند تا خدایی نکرده متضرر نشوند.

## مرگ مادر و ۲ کودکش در تصادف آتشین

**مادر جوان و دو کودک خردسالش قربانی بی‌احتیاطی راننده تانکر سوخت شدند و در حادثه آتشین جان باختند.**

تصادف تانکر حامل سوخت با سواری پراید در آزادراه پیامبر اعظم تبریز اتفاق افتاد. وقتی مأموران پلیس و امدادگران در محل حاضر شدند، مشخص شد در جریان تصادف تانکر حامل سوخت و سواری پراید حادثه آتشین رقم خورده‌است. بررسی‌های اولیه نشان داد که دو کودک خردسال که خواهر و برادر بودند، به دلیل شدت جراحت جان باخته‌اند و مادرشان که همراه دو سرنشین دیگر دچار مصدومیت شدید شده بودند، به مرکز درمانی منتقل شدند. همچنین در جریان اطفای آتش یک آتش‌نشان هم دچار سوختگی شده‌بود که برای ادامه درمان به بیمارستان منتقل شد. از بیمارستان اما خبر رسید که مادر دو کودک هم به دلیل شدت جراحت فوت شده‌است. وحید شادی‌نیا، سخنگوی اورژانس آذربایجان شرقی گفت: دو مجروح دیگر حادثه که دو مرد ۲۵ و ۳۷ ساله هستند، تحت درمان قرار دارند. سرهنگ احمدی، معاون پلیس راه آذربایجان شرقی هم علت تصادف را ناتوانی راننده تانکر در کنترل تریلر اعلام کرد.

## قتل با ضربه سیلی

**مرد افغان که متهم است هموطنش را با ضربه سیلی به قتل رسانده است بازداشت شد.**

سردار علی ولی پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت گفت: روز گذشته کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی از مرگ مشکوک مردی افغان در یکی از بیمارستان‌های شرق تهران با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد مرد فوت شده که تبعه افغانستان است با ضربه سیلی دوستش مصدوم و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شده‌است. بررسی‌ها همچنین نشان داد که رهگذران موفق به بازداشت عامل حادثه که او هم افغان بود، شده‌اند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت هنگام کار با دوستم مشاجره کردم و عصبانی شدم و یک سیلی به گوشش زدم که روی زمین افتاد، اما فکر نمی‌کردم که با همان ضربه سیلی فوت شود. تحقیقات از متهم در اداره دهم پلیس آگاهی جریان دارد.

**مفقودی**

اینجانب مسعود فزونی کلده مالک خودرو سواری سمند سورن به شماره شاسی NAACC۱CF۸۹F۴۱۲۲۲۶ و شماره موتور ۱۲۴۸۷۲۰۶۳۱۸ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

البرز

**مفقودی**

اینجانب مسعود باقری مالک خودرو سواری هاچ بک TU۵ ۲۰۶ به شماره شاسی NAAP۱۳۱E۱FJ۳۲۷۰۱۷ و شماره موتور ۱۶۳B۰۲۱۴۲۴۲ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

البرز

**مفقودی**

برگ سبز خودرو سواری پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۷ رنگ نقره ای متالیک شماره پلاک (ایران ۳۰ ۲۲۸ د ۸۶) به شماره موتور ۲۵۸۶۸۰۵ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۸۳۳۴۸۰ متعلق به سید علی عالمی شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

البرز

**مفقودی**

برگ سبز خودرو سواری پیکان تیپ ۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۷ به رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۶۸ - ۳۹۴ ی ۹۴) به شماره موتور ۱۱۱۲۷۷۲۲۹۶۰ و شماره شاسی ۷۷۴۲۵۳۲۹ متعلق به صادق امیری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

الف ل

**تاسیس موسسه غیر تجاری رسانه صنعت و فناوری فیدار در تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۲ به شماره ثبت ۱۳۷۳ به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۶۱۸۳۶۰ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می گردد:**

نام: رسانه صنعت و فناوری فیدار موسسه غیر تجاری موضوع فعالیت: تولید محتوای تخصصی در حوزه صنعت و تکنولوژی -افزایش آگاهی در زمینه فناوری و صنعت در استان -معرفی تخصصی صنایع و فناوری های استان و در نتیجه کشور به صورت فنی، مهندسی، هنری، جذاب، مفهومی و قابل درک برای داخل و خارج از کشور -رونق اقتصادی با بهره گیری از تبلیغات تخصصی و علم دیجیتال مارکتینگ - بهره گیری از جوانان با استعداد در راستای رونق اقتصادی استان -تولید محتوای تخصصی در حوزه صنعت و تکنولوژی با بهره گیری از تصویربرداران، سناریو نویسان، تدوینگران و انیمیتورهای موسسه که سابقه فعالیت های صنعتی داشته و با این فضا آشنا هستند، محتواهای ویژه صنعت و تکنولوژی تولید میگردد -افزایش آگاهی در زمینه فناوری و صنعت در استان -با تشکیل رسانه ای تخصصی، پایگاه خبری در حوزه فناوری، رواج تبلیغات با کیفیت در حوزه صنعت، با بهره گیری از پتانسیل های فضای مجازی و برقراری ارتباط با نهادهایی همچون استانداری و سازمان صمت و روابط عمومی شرکت ها و صنایع و تولید تیزرها و انیمیشن های با کیفیت این حوزه -معرفی تخصصی صنایع، فناوری ها و محصولات استان و در نتیجه کشور به صورت فنی، مهندسی، هنری، جذاب، مفهومی و قابل درک برای داخل و خارج از کشور - با بهره گیری از دانش فنی و هنری موسسه و تلفیق علم مهندسی و هنر و همچنین بهره گیری از پتانسیل های ساخت انیمیشن در جهت معرفی محصولات و نجوه کارکرد و اجزا به صورت دقیق -معرفی، افزایش فروش و رونق اقتصادی با بهره گیری از تبلیغات تخصصی و علم دیجیتال مارکتینگ با معرفی و تبلیغات با کیفیت، مشتریان و مخاطبان از کمیت، کیفیت و پتانسیل های موجود در استان به صورت دقیق و فنی با بهره گیری از جذابیت های بصری باخبر شده و مقدمه ایجاد ارتباط و فروش برای صنایع و شرکت ها فراهم میشود -بهره گیری از جوانان با استعداد در راستای رونق اقتصادی استان - افراد مشغول در موسسه غالبا جوانان تحصیل کرده و با استعداد و آموزش دیده در حوزه تولید محتوا و فعالیت های هنری هستند که با در کنار هم قرار گرفتن یکدیگر، پتانسیل بالایی در این زمینه شکل گرفته است. فعالیت های اصلی موسسه شامل تولید أنواع محتوا (اعم از تیزر، موشن گرافیک، انیمیشن)، خدمات مرتبط با فضای مجازی، فعالیت های دیجیتال مارکتینگ است.(در صورت لزوم با اخذ مجوز از مراجع ذیربط). به موجب مجوز از اداره کل (اداره کل سازمان های مرم نهاد) وزارت کشور برابر با شماره مجوز ۸۹/۱۴۰۲/۱۳۸۹۰ در تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۱ در استان مربوطه این آگهی به ثبت رسید. مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان مرکزی، شهرستان اراک، بخش معصومیه، دهستان معصومیه، روستای نیروگاه برق انجیرک، کیلومتر ۵، کوچه ندارد، جاده خمین، پلاک ۰، ساختمان پارک علم و فناوری استان مرکزی، بلوک D، طبقه ۲ کدپستی ۳۸۳۶۱۳۴۱۱۹ دارایی شخصیت حقوقی ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال نقدی مدیران خانم هانیه الله بخشی به شماره ملی ۰۰۲۱۶۴۰۰۷۶ به سمت عضو علی البدل هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای علی مرادی به شماره ملی ۰۵۲۱۰۴۰۵۸۲ به سمت عضو علی البدل هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای امیرحسین بخشی به شماره ملی ۰۵۲۱۰۴۷۴۶۳ به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال آقای دانیال گودرزی متین به شماره ملی ۰۵۲۱۲۱۶۹۳۱ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای علیرضا آقانجفی مرزیجرانی به شماره ملی ۰۵۲۱۵۲۷۹۰۲ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت ۲ سال خانم زینب اسماعیلی به شماره ملی ۰۵۳۲۵۳۷۸۷۴ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای حمزه اسماعیلی به شماره ملی ۰۵۳۲۵۷۵۲۳۷ به سمت خزانه دار به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا: کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور با امضای مدیر عامل و خزانه دار و در غیاب خزانه دار با امضای رئیس هیأت مدیره و با مهر موسسه معتبر خواهد بود. بازرسان آقای رضا مختاری به شماره ملی ۰۵۲۱۲۵۰۰۲۱ به سمت بازرس اصلی به مدت ۱ سال آقای امیرحسین صادقیان به شماره ملی ۱۷۴۲۵۴۳۲۶۱ به سمت بازرس علی البدل به مدت ۱ سال روزنامه کثیر الانتشار جوان جهت درج آگهی های موسسه تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور، به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد. برابر نامه شماره ۶۷۶۷ مورخ ۱۴۰۲/۷/۱۰ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مرکزی ثبت شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری اراک (۱۵۸۰۶۰۶)